

امپراتوری غرب اسلامی

• محمدعلی چلونگر

هیأت علمی دانشگاه اصفهان

- پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی؛ تاریخ فاطمیان و منابع آن
- پل. ای. واکر
- ترجمه فریدون بدره‌ای
- تهران: نشر و پژوهش فرزنان روز، ۱۳۸۳، ۳۸۴ صفحه، ۴۵۰۰ تومان

داده است، پل واکر است. وی تاریخ‌نگار اندیشه‌ها و حوزه مطالعاتی مورد علاقه وی تاریخ فاطمیان و تفکر اسلامی است. پل واکر در حال حاضر استاد مدعو در مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه شیکاگو است. از آثار او می‌توان به «تشیع فلسفی قدیم»، «ابویعقوب سجستانی، متفکر داعی اسماعیلی»، «حمیدالدین کرمانی؛ تفکر اسماعیلیه در دوره الحاکم بامر الله»، «ظهور فاطمیان، شهادت یک معاصر» اثری مشترک با ویلفرد مادلونگ، اشاره کرد.

مهم‌ترین اثر این نویسنده در تاریخ فاطمیان، کتاب «پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، تاریخ فاطمیان و منابع آن» ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای است. «هدف کتاب حاضر آن است که مقدمه‌ای باشد بر آنچه این تاریخ در بردارد یا باید در برداشته باشد و این که چگونه باید این منابع را، چه در دوره‌های پیشین و چه اکنون، بررسی کرد تا بتوان گفت چه منابعی وجود دارد و مورخان چه در دوره‌های پیشین و چه در حال حاضر، از این منابع استفاده کرده‌اند یا می‌توانند هم اکنون از آن استفاده کنند. برای رسیدن به این هدف، لازم است چارچوبی پیشنهاد شود که مواد و موضوعات تاریخ فاطمیان بتوانند در آن جاگیرد و از آن پس به عنوان تحلیل و تحقیق به کار آید. اما مقصود، گشودن این میدان است نه بستن آن. این کتاب با آسان‌تر ساختن بررسی تاریخ فاطمیان، خوشبختانه می‌تواند به گشایش راه، هم در مسیر جاده‌های پیموده و هم جاده‌های هنوز نپیموده، کمک کند.»^۱

این کتاب در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول کلیاتی را درباره شکل و محتوای تاریخ فاطمیان عرضه می‌دارد و در

غربیان از چند دهه پیش به مطالعات مربوط به اسماعیلیان و فاطمیان علاقه نشان داده‌اند. پیشرفت جدید مطالعات فاطمی - اسماعیلی، مرهون تلاش گروهی از محققان غربی است که پیشگامان این زمینه بودند. از این افراد می‌توان از رودلف اشتروتمان (۱۸۷۷-۱۹۶۰)، لوئی ماسینیون (۱۸۸۳-۱۹۶۲)، ماریوس کانارد (۱۸۸۸-۱۹۸۲)، پاول کراوس (۱۹۰۴-۱۹۴۴)، هانری کربن (۱۹۰۳-۱۹۷۸)، ساموئل میکولوس استرن (۱۹۲۰-۱۹۶۹)، مارشال جی. اس هاجسن (۱۹۲۲-۱۹۶۸)، برنارد لوئیس، ویلفرد مادلونگ، هاینتز هالم، ایس سی، هانسبرگر، کارول هیلبراندو، پل. ای. واکر نام برد.

سهمی که قبلاً مطالعات مربوط به تاریخ فاطمیان در بین آثار محققان غربی به خود اختصاص داده است، ناچیز است. کافی است آثاری را که درباره عباسیان نوشته شده با آثاری که در زمینه فاطمیان تألیف شده است مقایسه کنیم.

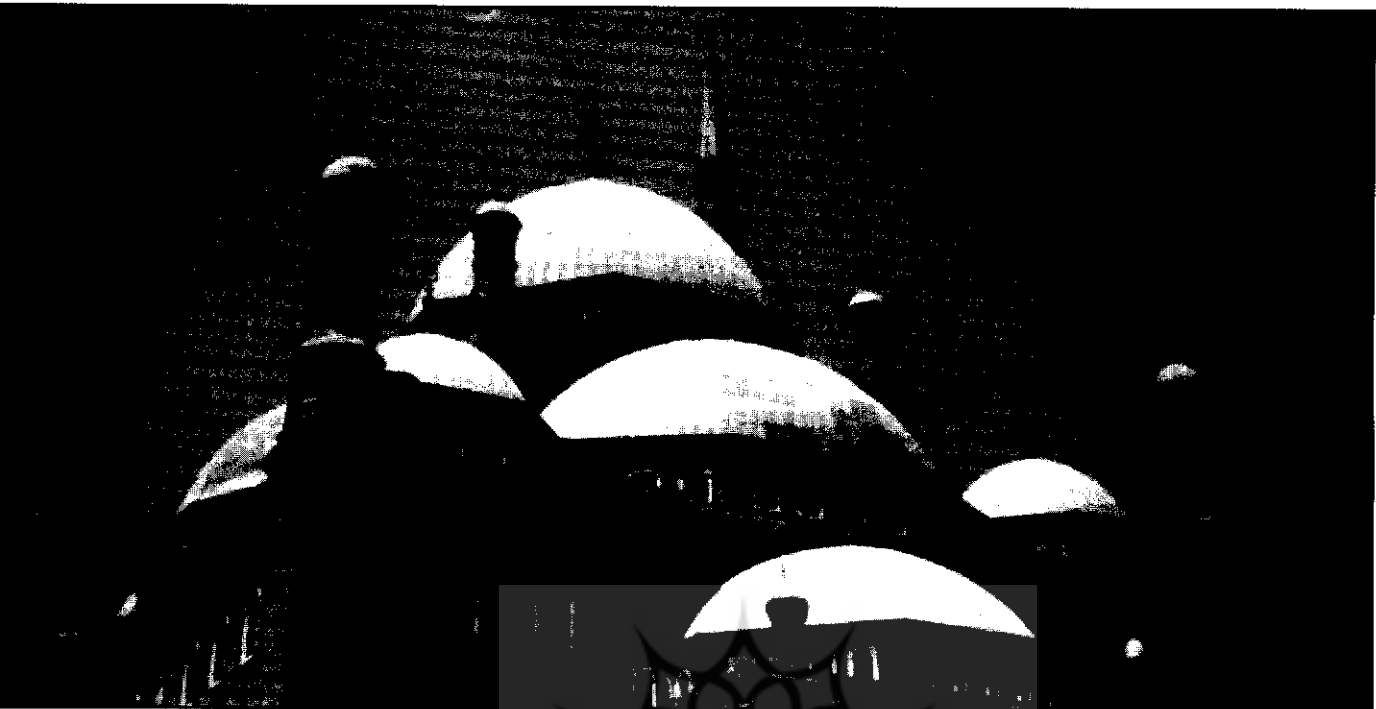
آثار مهمی در سالیان اخیر در مورد اسماعیلیان و فاطمیان منتشر شده است. از این موارد می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: «تاریخ و عقاید اسماعیلیه» اثر فرهاد دفتری، که تاریخ عمومی ارزشمندی از جامعه اسماعیلیه است؛ «کتاب‌شناسی و زندگی‌نامه‌نگاری» تألیف اسماعیل پونا والا که اثری قابل توجه برای یافتن منابع و مأخذ اسماعیلی است و «امپراتوری مهدی» درباره تاریخ فاطمیان در شمال آفریقای تاریخ فاطمیان اثر هایتنز هالم و کتاب «الدولة الفاطمية في مصر» اثر ایمن فؤاد سید.

از محققان اسلام‌شناس غربی که در آثار خویش به اسماعیلیان و فاطمیان و تاریخ اندیشه آنان توجه خاص نشان



کتاب ماه

تاریخ فاطمیان



مشکلاتی که فاطمیان گرفتار آن شدند به آن علت بود که مغرب هرگز یک ایالت متحد نبود و تسلط حکومت مرکزی بر این نواحی کوهستانی و قصبه‌ها، که ارتباط آنها با مرکز سخت بود، به دشواری امکان‌پذیر بود.

سه فصل تنظیم و تدوین شده است.

فصل اول به تاریخ فاطمیان مغرب در شمال آفریقا اختصاص دارد. حکومت فاطمیان در سال ۲۹۷ هـ.ق. در مرکز آفریقه در قیروان تشکیل شد و مدت ۶۵ سال تداوم یافت. و چهار خلیفه نخستین فاطمی در آن منطقه حکومت می‌کردند.

واگر در مورد مدت دعوت فاطمیان با تکیه بر منابع اسماعیلی و منابع شمال آفریقا، اطلاعات سودمندی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. بعد از تشکیل خلافت در شمال آفریقا، فاطمیان در ادامه راه دچار مشکلات بسیار شدند. از دید مؤلف مشکلاتی که فاطمیان گرفتار آن شدند به آن علت بود که مغرب هرگز یک ایالت متحد نبود و تسلط حکومت مرکزی بر این نواحی کوهستانی و قصبه‌ها، که ارتباط آنها با مرکز سخت بود، به دشواری امکان‌پذیر بود. علاوه بر این مسائل، جماعات مختلف هم کار را مشکل‌تر می‌کردند. «هیچ حکمرانی نمی‌توانست تسلط کامل بر تمام جماعات محلی داشته باشد. جماعتی از طوایف مختلف بربر و مؤتلفه‌های آنها، فرقه‌های مذهبی، و بازمندگان سرآمدان طایفه‌ها و عشیره‌های کهن‌تر عرب در منطقه و هر یک از این جماعات علائق و آرزوهای خود را داشت.»^۲

عامل دیگری که در آغاز برای فاطمیان مشکل‌ساز شد، اصرار آنان بر اجرای شعائر شیعی اسماعیلی در بین بربرها و مردمی که مذهب سنی مالکی داشتند، بود. «حکومت جدید از همان آغاز خط مشی، و سیاست عمومی مشخصی در پیش گرفت که مستلزم اجرای فقه و رسوم مذهبی شیعی بود. به عنوان نمونه‌ای از این خط مشی نمازهای نافله که معمولاً

ماه رمضان خوانده می‌شد، با بودن امامی در مسجد غیر مجاز دانسته شد. شیعه این عمل را بدعتی غیرقابل قبول می‌شمرد، اما مالکیان برای آن لزوم شرعی قائل بودند.»^۳

وجود امویان در اندلس و خوارج که در بین بعضی قبائل بربر دارای پایگاه بودند، از عوامل دیگر مشکل‌ساز برای فاطمیان در شمال آفریقا بود. امور خارجی فاطمیان در مغرب از مباحث دیگر این فصل است. مهم‌ترین اشتغال فاطمیان خارجی مسأله مصر بود. اندیشه فتح مصر از همان آغاز مورد توجه فاطمیان بوده است. «این مسأله در دوره المعز تحقق یافت. امور خارجی دیگر فاطمیان مرزهای شمال آنان بود. علاقه‌مندی دولت فاطمی به قلمروهای شمالی، خود تا حدی از آن جا ناشی می‌شد که سرزمین اقلیبیان را در سیسیل و جنوب ایتالیا به میراث برده بودند و انگیزه آنان در مرزهای شمالی انتشار کیش اسماعیلی و به دست آوردن ثروت به صورت غنائم از تاخت و تاز به نواحی مسیحی‌نشین در بخش‌های شمالی جاهایی که قبلاً تصرف کرده بودند، بود.»^۴

فصل دوم به بررسی دوران حکومت فاطمیان در مصر، در بین سال‌های ۳۶۲ تا ۵۶۷، اختصاص دارد. مصر با انتقال فاطمیان به آن‌جا دچار تحولاتی شگرف شد. قاهره مقر امپراتوری قدرتمندی شد که اکنون بیشتر شمال آفریقا، سیسیل، بخش‌های بزرگی از شام، دریای سرخ و حجاز را دربرمی‌گرفت. برای نخستین بار در دوره اسلامی، مصر دیگر تنها یک ایالت نبود، بلکه یک دولت و مملکت مستقل بود؛ دولتی که در واقع در خود قاهره تمرکز داشت.^۵

نهادهای جدید در مصر به وجود آمد. بخشی از نمونه نهادها که متعلق به قلمرو فرهنگ و دین بودند داعی‌الدعات، کتابخانه امام و خزانه او، دارالحکومه یا دارالعلم بود. دارالحکومه یک دانشگاه و کتابخانه عمومی برای استفاده همه مردم بود.

در این دوران، روابط حکومت با اقلیت‌های مذهبی تحت حمایت دولت، دوستانه بود. هم مسیحیان و هم یهودیان در دستگاه حکومت خدمت می‌کردند و تعداد معتناهی از این‌ها در ادارات کوچک به کار مشغول بودند.

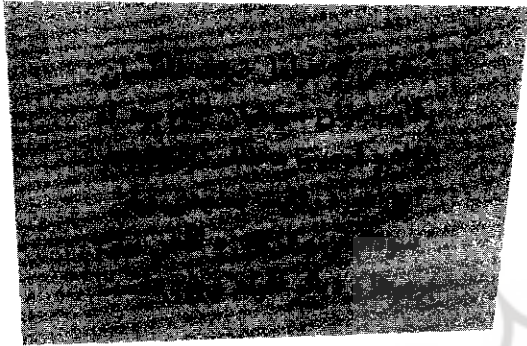
در این دوران چند تحول مهم در خارج از محدوده امپراتوری فاطمیان رخ داد یکی از آنها متابعت امیر عقیلی موصّل از فاطمیان بود و مورد دیگری که اهمیت بیشتری داشت، هر چند موقتی بود، فتح بغداد به دست بساسیری در نیمه اول قرن پنجم بود.^۶

روابط خارجی فاطمیان در دوران اقتدارشان، در نواحی مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. آنان اندک زمانی پس از فتح مصر، با نخستین هجوم سپاهیانشان به درون شام و با به رسمیت شناختن سلسله آنها از شهرهای مقدس، به بزرگ‌ترین گستره قلمرو سیاسی خود رسیدند. شام در این دوران از دغدغه‌های اصلی فاطمیان بود. از نظر واکر، فاطمیان دریافته بودند شام راه گشودن مشرق است ولی این را هم می‌دانستند که می‌تواند معبر تاختن نیروی مهاجم بر ضد آنها هم باشد؛ این مسأله قبلاً برای آنان اتفاق افتاده بود و آن هنگامی بود که قرمطیان از همین راه به مصر تاختند.^۷

مغرب از طرف فاطمیان به بنی‌زیری سپرده شده بود؛ ولی اینان بعد از مدتی از اطاعت فاطمیان خارج شدند و به عباسیان پیوستند زیرا اکثریت مردم منطقه سنی مالکی بودند و تمایلی به فاطمیان نداشتند.

در نیمه دوم حکومت مستنصر بالله، ۴۸۷-۴۲۷، ه. ق.، نشانه‌های ضعف و سستی در خلافت فاطمیان نمودار شد. از حدود ۴۵۴، مصر فاطمیان در دوره‌ای طولانی گرفتار آشفتگی و هرج و مرج، وبا، قحطی، زوال و ضعف شد. بخشی از عوامل ضعف به رقابت میان سپاهیان فاطمی مربوط می‌شد که نژاد و قومیت مختلف داشتند؛ در این دوره رقابت میان سودانیان و ترکان و گاهی نیز بربرها و دیگر اقوام وجود داشت.^۸

در فصل چهارم، تحت عنوان «قرن وزیران نظامی»، تاریخ سیاسی فاطمیان از روی کار آمدن بدرالجمالی در سال ۴۶۶ تا سقوط فاطمیان، آمده است. مستنصر، در نیمه دوم حکومتش، با هرج و مرج گسترده‌ای مواجه شد. برای رهایی از این بحران، خلیفه تصمیم گرفت از حاکم نظامی عکا، بدرالجمالی دعوت کند به قاهره آید و او با نیرویی قدرتمند از سربازان ارمنی و دیگران که همگی تابع او بودند به مصر آمد و قدرت را به دست



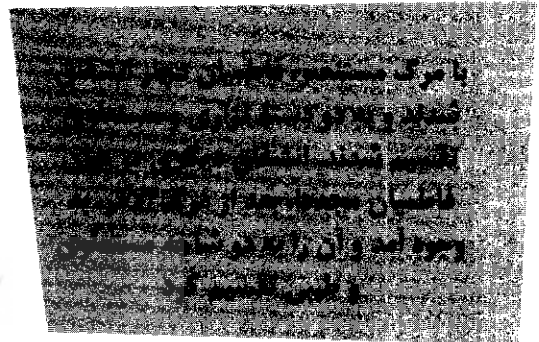
گرفت. از این زمان به بعد، دوره‌ای جدید در تاریخ فاطمیان به وجود آمد. وزیران، که تعدادی از آنان از سرداران نظامی بودند قدرت را به دست گرفتند و خلیفه تحت اراده این وزیران و سرداران بود. به اعتقاد مؤلف، در این دوران، خلیفه صرفاً به عنوان امام اسماعیلی شناخته می‌شد و نقش او به عنوان امام پابرجا بود. سنجیه دینی آن جنبه از حکومت تغییر نیافت، اما قدرت واقعی در دست وزیران بود که ادعایشان بر قدرت، از قوه نظامی شخصی آنها ناشی می‌شد نه تصویب خلفا که تعدادی از آنان در دوران آخر، کودک بودند.^۹

با مرگ مستنصر، فاطمیان دچار انشقاق شدند و به دو دسته نزاری و مستعلوی تقسیم شدند. انشقاق دیگری در میان فاطمیان مجدداً، بعد از مرگ الامر، به وجود آمد و آن را به دو شاخه مستعلوی و طیبی تقسیم کرد. ضعف و انحطاط خلافت موجب گردید که سرداران همچون وزیران عملاً قدرت را به دست گیرند و زمینه سقوط فاطمیان را در سال ۵۶۷ را فراهم آورند.

بخش دوم کتاب، در ۶ فصل تحت عنوان منابع و بررسی‌ها، قسمت ارزشمند کتاب است. آنچه در این بخش آمده در تحقیقات و آثار دیگری که راجع به فاطمیان تاکنون نوشته است کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آثار منتشر شده راجع به فاطمیان عمدتاً به تاریخ سیاسی فاطمیان، آن هم در مصر توجه کرده‌اند.

در فصل چهارم با تکیه به منابعی که به اشیاء تعلق دارد، بازسازی تاریخ فاطمیان مورد توجه قرار گرفته است. اشیائی مورد توجه واقع شده‌اند که عملاً به طور مستقیم تاریخ آن عهد

را بر خود دارند و حامل اطلاعات و اخباری به صورت نقش و نیشته هستند. این اقلام عبارتند از سکه‌ها، وزنه‌های بلورین، منسوجاتی از طرازهای سوزن‌دوزی (نوشته‌های سوزن‌دوز)، اهدانامه‌های بناها، آثار هنری، کارهای دستی و آثاری که در کاوش‌های باستانشناسی کشف شده‌اند. این اشیاء، که همه آنها تاریخ از دوره فاطمیان دارند، ارزش خاصی دارند. به این‌ها گاهی منابع غیر عمدی گفته می‌شود؛ زیرا در اصل هیچ یک از این



اقلام، کم یا زیاد، به نیت به کار رفتن در مقاصد تاریخی پدید نیامده‌اند. اطلاعاتی را که این اشیاء در مورد تاریخ فاطمیان به ما می‌دهند باید اطلاعاتی اعتباری دانست.^{۱۱}

مسکوکات فاطمی از جهات بسیار زیادی، حداقل به عنوان نموداری از تاریخ اقتصادی و پولی، منبع مهمی به شمار می‌آیند.^{۱۲} کتیبه‌های بناهای باقی مانده از دوره فاطمیان از منابع قابل توجه هستند، اما از این کتیبه‌ها تعدادی معدود در موزه‌ها باقی است؛ زیرا در روی آنها شعارهای دینی در حمایت فاطمیان بوده است که بعداً از بین رفته‌اند.^{۱۳}

از دیگر منابع مورد استفاده این دوره، طرازها، مصنوعات پارچه‌ای و منسوجات دارای نوشته، هستند. بر این پارچه‌ها نام امام بافته یا سوزن‌دوزی و هدیه می‌شد. این طرازها بیشتر به فرمان وزراء بافته می‌شدند.^{۱۴} وسعت و دامنه آثار هنری که به سده‌های حکمرانی فاطمیان نسبت داده شده، فوق‌العاده چشم‌گیر است و بسیاری از آنها در جایگاه اصلی خود باقی مانده‌اند یا در موزه‌ها در سراسر جهان پراکنده‌اند.^{۱۵}

فصل پنجم به نامه‌ها و اسناد مربوط به دوره فاطمیان اختصاص دارد. گرچه عمده بایگانی‌های اسناد مربوط به این دوره از بین رفته است، ولی گنجینه فوق‌العاده‌ای از اوراق، نامه‌ها، اسناد و کتاب‌ها باقی مانده است که گنجینه یا جنبه* قاهره را به وجود می‌آورند و منبع سودمند حیرت‌انگیزی برای تاریخ‌جامعه‌پهود در مصر و جاهای دیگر در قرن یازدهم، دوازدهم و سیزدهم میلادی است.^{۱۶} این بخش قابل توجه از اسناد دوره فاطمیان، که مربوط به اسناد دیوان الانشاء و مکاتبات و سجلات است، در کتاب صبح‌الاعشی فی صناعت

الانشاء قلقشندی، مربوط به دوره مملوکان، جمع‌آوری شده است.^{۱۷}

در این فصل، علاوه بر اسناد، به تبیین عرض‌حال‌ها، اسنادی که از محکمه‌های قضات صادر شده است، مواد باستان‌شناسی مثل قطعاتی از پاپیروس، پوست یا کاغذ که بر روی آنها چیزی نوشته شده بود و در بعضی نواحی مثل فسطاط پیدا شده، پرداخته شده است.^{۱۸}

مؤلف در این فصل، کلیه اسناد باقی مانده و مهم را بررسی و نقش آنها را در تبیین وضعیت اداری - قضایی به خوبی تبیین کرده است. این حرکت را افرادی مثل جمال‌الدین شیال آغاز کردند ولی دیگران دنبال نکردند. با توجه به این که منابع مکتوب مربوط به تاریخ فاطمیان توسط حکومت‌های متعصب سنی بعدی مثل ایوبیان و ممالیک نابود شده است؛ بررسی این اسناد می‌تواند در روشن کردن تاریخ اجتماعی، اداری و قضایی فاطمیان مفید باشد.

فصل ششم به بررسی نقش خاطرات، شاهدان عینی و هم‌عصران فاطمیان اختصاص دارد. تردیدی وجود ندارد که شرح و توصیف شاهدان عینی از یک رویداد، ارزش و اعتبار بیشتری از اخبار دست دوم یا دست سوم یا حتی دورتر نسبت به حادثه مورد بحث دارد.^{۱۹} در مورد فاطمیان شاهدانی که روایتشان از حوادث باقی مانده و اکنون در دسترس باشد،^{۲۰} خیلی استثنایی و نادر است. آنچه از خاطره‌نگارهای دویست و پنجاه سال حکومت سلسله فاطمی هست بسیار ناهموار است.^{۲۱} از دوره فاطمیان دوره مغرب چندتایی بیشتر باقی نمانده است. یکی از ابوالهیثم و دیگری از جعفرالحاجب است.^{۲۲}

از قدیم‌ترین مرحله تاریخ فاطمی در مصر، یعنی فتح مصر به دست جوهر و انتقال المعز امام از مغرب به قاهره، سه زندگی‌نامه و ترجمه احوال فقط از جوذر وجود داشته است که هیچ یک از آنها باقی نمانده است. همه اخباری که جنبه شهادت عینی دارد، اکنون از منابع دست دوم به صورت نقل قول در آثار مؤلفان بعدی به دست می‌آید.^{۲۳}

از دوران بعد از فتح تا پایان خلافت، موارد متعددی ترجمه احوال و مطالب و نوشته‌هایی که جنبه شهادت عینی دارند، بوده است که اکثر آنها هم در اختیار نیست.^{۲۴}

آنچه مؤلف در این بخش معرفی می‌کند، سیر تاریخ‌نگاری فاطمیان از دید معاصران آنان است. واکر توانسته است با نگاهی ژرف اکثر منابع معاصر فاطمیان را که یا توسط اسماعیلیان یا معاصران سنی آنان نوشته شده است، ذکر کند.

فصل هفتم تحت عنوان تاریخ‌ها، مکان‌شناسی‌ها و کتب رجال و تراجم احوال به تاریخ‌نگاری فاطمیان پرداخته است. این بخش را در واقع می‌توان تاریخ‌نگاری فاطمیان نامید. واکر منابع تاریخی مهمی را که در مورد فاطمیان نوشته شده است،



دسته‌بندی و معرفی می‌کند.

مهم‌ترین مورخی که در این فصل معرفی می‌شود، تقی‌الدین احمد مقریزی است که در قرن نهم/یازدهم میلادی، سه قرن بعد از سقوط فاطمیان، در مصر زندگی می‌کرده است. از آثار مقریزی در مورد فاطمیان *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء* است. این کتاب به صورت منفرد در مورد تاریخ‌نگاری فاطمیان نوشته شده است. وی در دو اثر دیگرش *خطط و المقفی الکبیر* مطالبی راجع به فاطمیان آورده است. بررسی‌های مقریزی در بردارنده اخبار و اطلاعاتی است که در جای دیگر یافت نمی‌شود. وی تنها کسی است که آثار عمده‌ای در سه مقوله و موضوع تاریخ‌نگاری اسلامی، یعنی وقایع‌نامه، مکان‌شناسی و فرهنگ‌های زندگی‌نامه‌ای پدید آورده است.^{۳۵} واکر در این فصل منابع تاریخ‌نگاری فاطمیان، از مغرب تا پایان خلافت فاطمیان را آورده است. در این دسته‌بندی، وی منابع تاریخی را به دو بخش اسماعیلی و غیراسماعیلی تقسیم می‌کند.^{۳۶} منابعی که در این فصل معرفی می‌شود، منابعی است که بخش عمده آنها در اختیار ما است.

مقریزی از نظر واکر در تاریخ‌نگاری فاطمیان، نقش منحصر به فرد دارد. او که سنی‌مسلك و تاریخ‌نگار ممالیک است توجه و علاقه شدیدی به سلسله اسماعیلی فاطمیان و نقش آنان در تاریخ مصر از خود نشان می‌داد. کوشش مقریزی در توجه به فاطمیان چیزی است که نظر واکر و دیگر محققان را به خود جلب کرده است.^{۳۷}

در کنار مقریزی، مورخان دیگری هم که به نحوی در تاریخ‌نگاری فاطمیان و عمدتاً در دوران ممالیک، دارای آثاری

مقریزی از نظر واکر در تاریخ‌نگاری فاطمیان، نقش منحصر به فرد دارد. او که سنی‌مسلك و تاریخ‌نگار ممالیک است توجه و علاقه شدیدی به سلسله اسماعیلی فاطمیان و نقش آنان در تاریخ مصر از خود نشان می‌داد.

هستند، معرفی شده‌اند: از جمله ابن تغری بردی با اثر *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*. توجه واکر در این فصل صرفاً به منابعی که مستقیماً در مورد مصر و فاطمیان، باشد منحصر نمی‌شود بلکه به منابع مربوط به سرزمین‌های خارج از مصر ولی در مورد فاطمیان نیز، توجه کرده است.^{۳۸}

فصل هشتم به بررسی موقعیت فرهنگی فاطمیان تحت عنوان «ادبیات و علوم» اختصاص دارد. موضوع این فصل را می‌توان در زیر اصطلاح عربی ادب به معنای وسیع آن که شامل همه فنون نوشتاری و علوم می‌باشد، قرار داد؛ آن را انسانیات نیز می‌توان خواند. و مراد از آن همه چیزهایی است که انسان را فرهیخته و با بصیرت و دانا می‌کند.^{۳۹} با آن که واژه ادب می‌تواند همه نوع نوشته‌ای را شامل شود، در دوره فاطمیان بعضی از این انواع رواج یافت و بعضی رونق نگرفت، اما به طور مسلم، نمونه‌های مهمی از شعر و ادبیات دیوانی، بررسی‌های دستوری، موسیقی، پزشکی، نجوم و ریاضیات و علم و نور و

رؤیت به اضافه آثار فقهی و عقیدتی داعیان وجود داشت. شعرا، دانشمندان و هنرمندان و صاحب‌نظرانی که در دوران فاطمیان در موضوعات مختلف علمی و ادبی وجود داشته‌اند، واکر در این بخش آثار متعددی از آنان را که در زمینه‌های بالا نوشته است معرفی می‌کند. واکر در این فصل توجه خاصی به ادبیات دعوت فاطمیان دارد که مبنای خلافت آنان بر آن نهاده است.^{۳۱} از دید واکر نوشتن آثار مکتوب یکی از وجوه اساسی سازمان دعوت بوده است.

فصل نهم و فصل پایانی اختصاص دارد به مطالعات جدیدی که در مورد فاطمیان انجام گرفته است. از دید واکر، تاریخ‌نگاری جدید درباره فاطمیان از پیشرفت‌های پیوسته‌ای که در بازیابی انواع و اقسام منابع و بهتر شدن کیفیت دسترسی بدانها رخ داده بهره‌ور شده است.^{۳۲}

پیشرفت‌های جدید درباره مطالعات فاطمیان در دوره اخیر، بعد از آن انجام گرفت که دسترسی به متون اسماعیلیان طیبی که در کتابخانه‌های آنان وجود داشت امکان‌پذیر شد.^{۳۳} کشف این مواد موجب شد که چشم‌انداز نگرش و نوشتن تاریخ فاطمیان را تغییر دهد. قبل از آن، آثار مکتوب راجع به فاطمیان با تکیه بر منابع اهل سنت که از مخالفان جدی فاطمیان بودند، نوشته می‌شد.^{۳۴}

منابعی که در قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم نوشته می‌شد، عمدتاً بدون استناد به منابع اسماعیلی بود. این تحقیقات براساس منابع عربی هم‌چون آثار ابن‌اثیر، ابن‌عداری، ابن‌خلکان، خطط مقریزی و ... نوشته می‌شد. پیشگام مطالعات جدید اسماعیلی، که علاوه بر منابع عربی به منابع اسماعیلی هم استناد می‌کند، ولادیمیر ایوانف است. او مجموعه‌های کتاب‌های اسماعیلی طیبی را در اختیار داشت و مهم‌ترین اثر او کتابشناسی ادبیات اسماعیلی است که سیری حقیقتاً گیرا از حدود ۳۰۰ مؤلف و آثار آنها را از قدیم‌ترین دوره‌های پیش از فاطمیان تا روزگار جدید، در آن آورده است. واکر در این بخش مطالعات مختلفی را که راجع به اسماعیلیان و فاطمیان با تکیه بر منابع مختلف شده است، آورده است. از جمله آنها آثار مختلف فرهاد دفتری، رئیس بخش علمی و برنامه‌های پژوهشی مؤسسه تحقیقات اسماعیلی لندن، است. کتابشناسی که در این بخش ارائه شده است یک کتابشناسی جامع و کامل از تحقیقات انجام گرفته در مورد فاطمیان و اسماعیلیان است که عمدتاً توسط غربی‌ها انجام گرفته است. در کنار آن، به تحقیقاتی که محققان عرب مثل حسن ابراهیم حسن، ایمن فؤاد سید یا محققان اسماعیلی در شبه قاره هند انجام داده‌اند، اشاره‌ای شده است. این فصل برای محققان علاقه‌مند به مطالعات فاطمی - اسماعیلی می‌تواند سودمند باشد.

* جنبه، واژه‌ای عبری است به معنای پنهان کردن و اصلاً از واژه فارسی گنج و گنجینه گرفته شده است. [واکر، ص ۱۴۷]

پی‌نوشت‌ها:

۱. واکر، پل. ای، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی؛ تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه فریدون بدره‌ای؛ تهران؛ نشر و پژوهش فرزانه روز؛ ۱۳۸۳، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. همان، ص ۳۳.

۴. همان، ص ۳۸.

۵. همان، ص ۵۴.

۶. همان، ص ۶۱.

۷. همان، ص ۶۶.

۸. همان، ص ۸۰.

۹. همان، ص ۸۸.

۱۰. همان، ص ۱۲۰.

۱۱. همان، ص ۱۲۱.

۱۲. همان، ص ۱۲۷.

۱۳. همان، ص ۱۳۳.

۱۴. همان، ص ۱۳۵.

۱۵. همان، ص ۱۴۷.

۱۶. همان، ص ۱۴۹.

۱۷. همان، صص ۱۶۰-۱۶۳.

۱۸. همان، ص ۱۶۹.

۱۹. همان، ص ۱۷۰.

۲۰. همان، ص ۱۷۱.

۲۱. همان، ص ۱۷۱.

۲۲. همان، ص ۱۷۸.

۲۳. همان، ص ۱۹۰.

۲۴. همان، ص ۲۰۵.

۲۵. همان، ص ۲۰۸.

۲۶. همان، ص ۲۱۹.

۲۷. همان، ص ۲۱۹.

۲۸. همان، ص ۲۱۶.

۲۹. همان، ص ۲۳۰.

۳۰. همان، ص ۲۳۹.

۳۱. همان، ص ۲۵۱.

۳۲. همان، ص ۲۵۱.

۳۳. همان، ص ۲۵۵.

